

سیاست و حکومت در حکمت متعالیه

دکتر محمدعلی نویدی

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

چکیده

غرض و غایت حکمت متعالیه فلاح و رستگاری انسان است و مفتاح این سعادت‌مندی استکمال نفس ناطقه آدمی در سایه‌سار معقولات حکمت نظری و تدابیر معمولات حکمت عملی بواسطه سیر و سلوک و حرکت جوهری است.

نخستین پرسش بنیادین در این مقال و مجال اینست که سیاست و حکومت در حکمت عملی صدرایی چه جایگاه و نقشی دارد. این پرسش هم پرسش از موقعیت یعنی هستی و وجود سیاست و حکومت در حکمت متعالیه است و هم پرسش از کارکرد، عمل و اثر سیاست و حکومت.

پرسش بنیادین دیگر پرسش از ضرورت مدینه فاضله است. سیاست و حکومت بدون سامان سیاسی و تأسیس مدینه اثرگذاری قطعی نخواهد داشت و بجای اثرگذاری در متن حیات اجتماعی در حاشیه حیات فردی عقیم خواهد ماند.

سومین پرسش اساسی نقش رهبری و مدیریت در مدینه فاضله و توسعه، تحول، و تعالی جامعه است. رئیس مدینه در حکمت متعالیه نقش بیبدیل دارد. رهبری و هدایت با مدیریت و ریاست متفاوت است.

پرسش بنیادین دیگر نسبت انسان با دیانت و سیاست

در مدینه است. از یکسو انسان در کانون و متعلق سیاست است و از دیگر سو، دیانت، دلیل انسان است. آیا این رابطه نسبت حکمی و وجودی است یا نسبت حکومتی و وقوعی؟ اما در حکمت عملی ملاصدرا قانون نقش ماهوی دارد. مدینه بدون قانون محقق‌شدنی نیست. لیکن پرسش اینست که کدام قانون و کدام ناموس موجب قوام و دوام مدینه فاضله است. مدعی این مقاله «قانون متعالی» است که سامان مدینه بر آن استوار است و سیاست و حکومت صدرایی و حکمت متعالیه بدون قانون متعالی به اتمام و اکمال نخواهد رسید. رمز مدینه فاضله صدرایی قانون متعالی است و شاید با تبیین قانون متعالی و نقش آن در حکمت عملی و سیاست و حکومت ملاصدرا، پرتویی بر چشم‌انداز و افق آینده تابیده شود.

آخرین پرسش بنیادین در این مجال پرسش از نقش سیاست و حکومت و نقش حکمت عملی متعالیه در سیاست و حکومت آینده بشر است. آیا بشر آینده به فلسفه و اندیشه سیاسی ملاصدرا نیازمند خواهد بود و آیا سیاست و حکومت آیندگان در جستجوی عناصر حکمت عملی صدرالمتألهین خواهند بود؟ مدینه فاضله حکمت متعالیه معطوف به آینده است و با نگاه و رویکرد آینده‌اندیشانه می‌توان به بحث و فحص نشست.

حکمت متعالیه صدرایی حقیقت وجود است که در اصولی چون اصالت وجود، بساطت وجود، وحدت وجود و ... تبلور یافته است.

بتعبیر دیگر، بنای عظیم و قویم حکمت متعالیه بر پایه‌ها و استوانه‌های برهان، شهود و قرآن نهاده شده است که جنس آن پایه‌ها از حقیقت وجود و معانی وجودی است.

حکمت صدرایی به حکمت نظری و حکمت عملی منقسم می‌گردد که این دو حکمت، تکمیل گوهر ذات انسان را توأمان بعهده دارند. حکمت نظری معرفتی است که عهده‌دار شناخت حقایقی است که هستی آنها در اختیار انسان نیست و حکمت عملی مختص به شناخت اموری است که در حوزه تدبیر و اراده انسان شکل می‌گیرند.

این مقاله در قلمرو حکمت عملی است و به مقوله سیاست و حکومت در حکمت متعالیه می‌پردازد. ابتدا به اجمال به جایگاه و نقش سیاست و حکومت در منظر صدرا اشاره می‌شود و آنگاه ضرورت شکلگیری مدینه فاضله و سامان سیاسی در حکمت متعالیه و در نظریات صدرالمآلهین مورد بررسی قرار می‌گیرد و با گشوده شدن این مبحث، بحث رهبری و مدیریت (رئیس مدینه) پیش می‌آید و موضوع مهم دیانت و سیاست در مدینه پرسش می‌شود و به مطلب بسیار مهم و شاید جدیدالبحث «قانون متعالی» می‌رسیم. در نهایت با نگرش و رویکرد به آینده و نیازمندی آیندگان به سیاست و حکومت حکمت متعالیه مقاله به پایان می‌رسد.

۱. جایگاه و نقش سیاست، و حکومت در حکمت متعالیه

خلاف آمد آنچه برخی از اندیشوران و یا سیاستورزان

■ آیا بشر آینده به فلسفه و اندیشه سیاسی ملاصدرا نیازمند خواهد بود و آیا سیاست و حکومت آیندگان در جستجوی عناصر حکمت عملی صدرالمآلهین خواهند بود؟

کلیدواژگان

قانون متعالی	آینده مطلوب
سیاست و حکومت	مدینه فاضله
رهبری و مدیریت	عدالت و حقانیت
شریعت و دیانت	

مقدمه

قدر مسلم اینست که: ۱. سیاست و حکومت در حکمت متعالیه بر اساس مبانی صدرا و در درون مجموعه فلسفی - عرفانی متعالیه قابل بحث و بررسی می‌باشد؛ ۲. موضوعات و مباحث فلسفه سیاسی حکمت متعالیه دارای ترتب منطقی است، یعنی ارتباط و نسبت منطقی بین تمامی مباحث سیاسی برقرار است؛ ۳. مباحث فلسفه سیاسی و نقش سیاست و حکومت در آثار صدرا پراکنده است، بدین دلیل که سیاست در ذیل و ظل حکمت و اندیشه آمده است؛ ۴. با هوشمندی و دقت می‌توان فلسفه سیاسی ملاصدرا را هم تدوین و تحقیق کرد و هم مورد تمتع قرار داد.

حکمت متعالیه یک نظام فلسفی - حکمی و دستگاہ وجودی - وحیانی است که در آن فلسفه، عرفان و دین الهی ترکیب و تألیف لاینفک و بینظیر یافته‌اند و وحدت ببیدیل ایجاد نموده‌اند. محتوای

■ حکمت متعالیه یک نظام
فلسفی - حکمی و دستگاہ
وجودی - وحیانی است
که در آن فلسفه، عرفان
و دین الهی ترکیب
و تألیف لاینفک و بینظیر یافته‌اند
و وحدت ببیدیل
ایجاد نموده‌اند.

....



....

داناتر است!

ملاصدرا تاریکی و تیرگی زمانه خود را موجب
علیل شدن خاطر و کلیل شدن ذهن دانسته و بر
ضرورت اصلاح و اصلاحگری افساد جامعه و نفی
خرافات اجتماع تأکید ورزیده است. رساله کسر
اصنام الجاهلیه با همین هدف به نگارش درآمده
است.

صدر المتألهین در رساله سه اصل، مباحث سیاسی
را به مباحث حکمی و اخلاقی - دینی ربط می‌دهد
و گویی حکمت نظری و حکمت عملی به هم پیوند
می‌خورند تا سیر و سلوک استکمالی انسان استمرار
پیدا کند.

بنابر آنچه نوشته آمد، ملاصدرا غایت و هدف
حکمت متعالیه را تربیت گوهر ذات انسان می‌داند
که در یک حرکت جوهری و درونی تدریجی موجب
استکمال و تحول و تعالی آدمی می‌گردد. این حرکت
و تغییر استکمالی و اتصالی از طریق سیر در سفرها و
طی در منازل و گذار از مراحل حاصل آمدنی است.

۱. ملاصدرا، الأسفار الأربعة، ج ۱، تصحیح غلامرضا اعوانی،

تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۳، مقدمه مؤلف،

و سیاست‌پژوهان گفته‌اند، ملاصدرا به موضوع و مقوله
سیاست و حکومت اعتنای تام و اهتمام جدی داشته
است. این التفات و توجه ویژه را می‌توان با استناد به
آثار ملاصدرا و شیوه و سیره عملی او به اثبات رساند.
ملاصدرا در آثار گوناگون خود به موضوع سیاست
و سامان سیاسی پرداخته است، از جمله در: الشواهد
الربوبية فی المناهج السلوکية، المبدأ و المعاد، کسر
الأصنام الجاهلیة، المظاهر الإلهیة، شرح اصول کافی،
شرح الهدایة الأثریة، رساله سه اصل و ...

در کتب مذکور مباحث مهمی راجع به نبوت و
ولایت، رابطه شریعت و سیاست، نقد اوضاع و احوال
زمانه، خلافت الهی، سامان اجتماعی، قانون، مدینه،
رئیس مدینه، حکمت عملی و اموال و رفع اختلاف،
تشکیل دولت، استمرار رسالت و ... مورد تفتن و
توجه خاص ملاصدرا قرار گرفته است.

از سوی دیگر، ملاصدرا اوضاع و احوال زمانه خود
را مورد نقد و تبیین قرار داده است و از آن چنین
شکایت می‌کند:

روزگار ما را از قیام به مقصود و رسیدن به هدف
مانع آمده و زمینگیر کرده بود. نمی‌توانستم
یافته‌های خود را بیان کنم، بسبب آنکه
می‌دیدم از دشمنی روزگار با پرورش نادانان و
اراذل و روشنی آتش نادانی، و گمراهی و زشتی
حال و بدی رجال. حقیقت اینست که زمانه
مرا به جماعتی کندفهم و کودن مبتلا کرده
است که چشمانشان از دیدار انوار دانش و
اسرار آن کور است.

هر آن کس او در بحر جهالت و حماقت
غوطه‌ورتر و از ضیاء معقول و منقول دورتر
است، هم او به اوج قبول و قله اقبال مردم
نزدیکتر و در نزد بزرگان زمانه دانشمندتر و

■ **مدینه فاضله صدرایی مدینه فاضله آرمانگرایانه و دست‌نیافتنی نیست بلکه جزئی از دستگاه قویم حکمی-فلسفی ملاصدرا، منزلی از منازل سلوک آدمی، و سفری از اسفار سیر استکمالی و حرکت جوهری است.**

است و ضروری است که ترکیبی از افراد تشکیل‌دهندهٔ اجتماع در آن حضور داشته باشند، خود بر دو بخش است: یا برحسب خانواده است یا برحسب نظام سیاسی (مدینه). اولی حکمت منزلی و دومی حکمت مدنی نامیده می‌شوند.

قسم دوم، یعنی حکمت مدنی خود دو بخش است. بتعبیر دیگر، امور مربوط به مدینه و نظام سیاسی و اجتماعی، تقسیم می‌شود به آنچه متعلق به کشورداری و اداره مملکت است و آنچه متعلق به نبوت و شریعت است، اولی علم سیاست و دومی علم نوامیس نامیده می‌شود.^۲

چرا وجود نظام سیاسی و مدینه ضرورت دارد؟

ملاصدرا در الشواهد الربوبیه می‌فرماید:

انسان در وجود و بقای خویش نمی‌تواند به ذات خود اکتفا کند و از دیگران بپناز باشد، زیرا نوع منحصر در یک فرد و شخص خاص

۲. همو، شرح الهدایة الاثیریة، چاپ سنگی، آستان قدس رضوی.

بنابراین برای نیل به کمال و قرب الی الله و جوار واجب‌الوجود و واهب‌الصور، الظاهر و الباطن و الاول و الآخر، یکی از منازل و در واقع سفری از اسفار، منزل و سفر حکمت عملی و فلسفه سیاسی و نقش سیاست و حکومت در تربیت گوهر ذات آدمی است. حاصل کلام در این باب آنست که اولاً ملاصدرا به موضوع و مقوله سیاست و حکومت و جایگاه و نقش آن توجه و اهتمام وافری داشته است و ثانیاً، بدون التفات و اعتنا به نقش سیاست و حکومت در حکمت متعالیه، دستگاه حکمی-فلسفی-عرفانی و قرآنی ملاصدرا ناقص خواهد بود.

۲. ضرورت وجود و هستی نظام سیاسی (مدینه)

صدرالمتألهین ضرورت نظام سیاسی و هستی مدینه را در درون دستگاه حکمی خود یعنی حکمت متعالیه مورد بررسی و تبیین قرار داده است. ابتدا به انقسام حکمت به نظری و عملی اشاره می‌کند و آنگاه به حکمت عملی که نظام سیاسی و نظام اجتماعی و مدینه در درون آن مطمح نظر قرار گرفته است، می‌پردازد.

در کتاب شرح الهدایة الاثیریة آمده است: اما حکمت عملی، آنچه موضوع آن نفس انسان است از جهت اتصاف آن به اخلاق و ملکات، نیز بر سه قسم است: بخاطر اینکه تدبیرهای بشری و سیاستهای انسانی یا مخصوص یک شخص است یا بیشتر از یک شخص، اگر مخصوص به یک شخص باشد، حکمتی است که توسط آن معیشت دنیوی فاضله و زندگی اخروی کامله انسان سامان می‌گیرد. چنین حکمت عملی‌بی اخلاق نامیده می‌شود. اما آنچه فراتر از یک شخص

او نیست. بنابراین نمی‌تواند در دار دنیا زندگی کند، مگر بوسیله تمدن و اجتماع و تعاون، و لذا وجود و بقای او بتهایی ممکن نیست. بنابراین از نوع او افرادی متعدد و افرادی مختلف تشکیل داده شد و افرادی در معاملات و مناکحات و جنایاتی که ممکن است در برخورد با یکدیگر به وقوع بپیوندند، به قانون و ناموسی که مرجع و ملجأ آنان باشد و مابین آنان به عدل و داد حکم کند، نیازمند شدند.

چنانکه ملاصدرا با هوشمندی و درایت تمام آورده است، سیاست و حکومت با موضوعات کشورداری و ملتداری، نظام اجتماعی، تعاون، همیاری، دادگری و دادگستری، معاش و معیشت مردم از یکسو، و تقنین و قانونمداری از سوی دیگر، سروکار دارد.

در کتاب المبدأ و المعاد هم قریب به همین مضامین هست.^۲

بنا بر آنچه گفته شد، ضرورت شکلگیری نظام سیاسی و حکومت و مدینه در حکمت متعالیه و از دیدگاه ملاصدرا تردیدناپذیر و قطعی است، زیرا که:

۱. نظام سیاسی و مدینه عامل اجتماع و شکلگیری جامعه است و وجود جامعه برای استمرار حیات انسان ضروری است؛^۲ آدمیان در تعاون و تفاعل و تفاهم می‌توانند به تأمین نیازهای خود دست پیدا کنند و تحقق این امر از رهگذر جامعه و مدینه حاصل آمدنی و امکانپذیر است؛^۳ مدینه مرکز و محل معاش و معیشت است، و در سایه نظام سیاسی-اجتماعی و تشکل مدینه، امور دنیوی و معیشت انسانها سامان پیدا می‌کند؛^۴ مدینه و حکومت شرط برقراری عدل و داد است، و بدون دادستانی و دادگستری قوام و دوام جامعه امکانپذیر

نیست؛^۵ مدینه محل و ملجأ امن و تأمین‌کننده امنیت است؛^۶ نظام سیاسی و مدینه تمهیدی است برای تشکیل دولت و دولت شرط سامان اجتماعی است، و سامان و سیاست مورد نظر حکمت متعالیه، شرط و ابزار عبادت بندگان است: «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون».^۷

۳. دیانت و سیاست در مدینه فاضله

مدینه فاضله صدرا بی مدینه فاضله آرمانگرایانه و دست‌نیافتنی نیست بلکه جزئی از دستگاه قویم حکمی-فلسفی ملاصدرا، منزلی از منازل سلوک آدمی، و سفری از اسفار سیر استکمالی و حرکت جوهری است. مدینه فاضله ملاصدرا اساساً این دنیایی و اینجایی و اینزمانی است، پله‌یی از پله‌های صعود انسان به جوار حق است؛ یعنی مدینه فاضله حکمت متعالیه تحقق‌یافتنی و نائل آمدنی است.

اگر صدرا در طراحی و ترسیم مدینه فاضله از اسلاف حکیم و حکیمان پیشین تأثیر پذیرفته است لیکن جنس مدینه فاضله ملاصدرا از جنس حکمت متعالیه است؛ یعنی تحلیل مدینه فاضله ملاصدرا بدون لحاظ مبانی حکمت متعالیه امکانپذیر نیست.^۵ ملاصدرا در الشواهد الربوبیه درباره رابطه شریعت و سیاست بتفصیل سخن گفته است و سیاست بدون شریعت را چون جسد فاقد روح دانسته، و درباره

۳. ملاصدرا، المبدأ و المعاد، ترجمه احمد بن محمد حسینی،

ص ۵۷۲.

۴. ذاریات: ۵۶.

۵. نگاه آرمانگرایانه و آرمانشهری به مدینه فاضله در قرن ۱۶ با کتاب اتوپیا (Utopia) که در ۱۵۱۶ منتشر شد، استمرار پیدا کرد لیکن معنی و حقیقت آن متفاوت از معنای مورد نظر صدرا بوده است. ناکجاآباد (noplac) نوعی تخیل را به همراه داشت و در مکانی دوردست و بعداً در زمانی دوردست تلقی می‌شد.

■ اگر قانون نباشد، نظام اجتماعی و سیاسی از هم می‌پاشد و قوای حیوانی و شیطانی آدمی مجال رشد می‌یابد و انسان را از غایت و هدف اصلی خود که همانا سیر و سلوک الی الله برای نیل به جوار الله است باز می‌دارد.

...
وجوه افتراق و تفاوت‌های سیاست و شریعت چنین آورده است:

۱. از نظر مبدأ، مبدأ سیاست نفس جزئی است نه نفس کلیه الهیه و این حرکت تابع اختیار افراد بشر می‌باشد، اما مبدا شریعت نهایت سیاست است.
۲. از نظر غایت، نهایت و غایت سیاست اطاعت از شریعت است. سیاست برای شریعت مانند عبد است نسبت به مولای خود که گاهی از وی اطاعت می‌کند و گاهی معصیت و نافرمانی می‌کند. اگر سیاست از شریعت اطاعت کند، ظاهر عالم مطیع باطن آن می‌گردد. در این هنگام آسایش و ایمنی از امور رنج‌دهنده به دست آمده و انسان به جانب خیرات و کمالات کشانده می‌شود. ولی هرگاه سیاست از شریعت پیروی نکند و در برابر آن عصیان ورزد، احساسات انسان بر آراء کلیه و ادراکات عقلی او چیره خواهد شد.

۳. از نظر فعل، افعال سیاست افعال جزئی، زوال‌پذیر و ناقص است که بقاء و استكمال آنها بوسیله شریعت خواهد بود.

۴. از نظر انفعال، امر شریعت امری لازم ذات شخص مأموم است، ولی امر سیاست عرضی مفارق و غیر لازم ذات شخص مأموم می‌باشد، زیرا اساساً بمنظور دیگری وضع شده است. برای مثال، شریعت شخص را به نماز و روزه امر می‌کند و آن شخص

پذیرفته و بنفسه انجام می‌دهد اما سیاست برای نظارت و جلب توجه حکومت است.^۶

نسبة النبوة إلى الشريعة كنسبة الروح إلى الجسد الذي فيه روح و السياسة المجردة عن الشرع كجسد لا روح فيه.^۷

یعنی: نسبت نبوت به شریعت مانند نسبت روح است به جسد دارای روح، و سیاست عاری از شریعت مانند جسدی است که روح در وی نباشد.

بنابر آنچه گذشت، از نظر ملاصدرا نسبت شریعت و دیانت با سیاست نسبت باطن و حقیقت است به ظاهر، و نسبت روح است با جسد و قالب؛ یعنی دیانت جوهر و اصل سیاست است. از سوی دیگر اوصافی که صدرالمتألهین برای رئیس اول احصاء می‌نماید، نشانگر آنست که رهبری و هدایت مدینه اولاً امری بس مهم است و ثانیاً ممتازترین آدمیان باید هادی آن باشد و آن را مدیریت کند. حکمت متعالیه سرتاسر مراتب است و منازل و مراحل و این ذومراتب بودن و باطن و ظاهر داشتن، پله‌پله بودن در نسبت دیانت و سیاست نیز کاملاً مشهود و عیان است.

۴. قانون متعالی رمز مدینه فاضله صدرایی

از دیدگاه ملاصدرا ارکان سیاست عبارتند از: ۱- قانون (امر، دستور و فرمان)، ۲- قانونگذار (آمر)، ۳- مجری قانون (امربر)، ۴- هدف و غایت قانون.

اصولاً انسان از نظر صدرا، مدنی بالطبع است؛ یعنی زندگی و حیاتش جز با تمدن، تعاون و اجتماع رونق نمی‌گیرد. برای زندگی اجتماعی هم منشأ روانی و

۶. ملاصدرا، الشواهد الربوبية، تصحيح مصطفى محقق داماد، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴-۴۲۶.

۷. همان، ص ۴۲۴.

■ بنابر آنچه گذشت،
از نظر ملاصدرا نسبت
شریعت و دیانت با سیاست
نسبت باطن و حقیقت است
به ظاهر، و نسبت روح است
با جسد و قالب.

محدوده تواناییهای انسانی و در میان نواقص عقلانی و قوای شهوانی و شیطانی، هرگز قادر به نیل به کمال تام و تمام نخواهد بود. بشر آینده به ساحت معنوی و روحانی وجود خود بیش از گذشته تنبه پیدا خواهد کرد و به دنبال قانونی خواهد گشت که او را در این راه راهنما باشد و درست راه رفتن و درست راه بردن را به او تعلیم دهد و آن قانون متعالی است که سرمنشأ آن واجب‌الوجود است و این موضوع بر مبانی ملاصدرا کاملاً منطبق است، چرا که وحی خدا بلحاظ وسعت و فسحت و اطلاق بر عرفان و فلسفه و علم بشری رجحان ذاتی و اولی دارد.

نتیجه‌گیری

ملاصدرا به سیاست و حکومت توجهی ویژه داشته است و آن را در قلمرو و حوزه حکمت عملی مورد بحث و فحص قرار داده است. تشکیل اجتماع و ضرورت نظام سیاسی - اجتماعی در حکمت متعالیه باب فلسفه سیاسی را مفتوح نموده و موضوعات و مباحث سیاست و حکومت را، ولو بطور پراکنده، ضروری ساخته است. اساس نظام اجتماعی - سیاسی، همانا قانون است و قانون ضامن قوام جامعه و دوام ارکان اجتماع و اجزاء نظام سیاسی است. قانون مورد نظر حکمت متعالیه قانون الهی است و این قانون متعالی رمز مدینه فاضله صدرایی.

درونی وجود دارد و هم نیازهای اقتصادی انسانها بدون تشکیل اجتماع برآورده نمی‌شود.

بر اساس دیدگاه ملاصدرا و اصول و مبانی حکمت متعالیه، قانون مورد نظر، قانون شرع است و مبدأ و منشأ مشروعیتش انسانها نیستند بلکه خداوند متعال است. این قانون ضروری که حافظ نظام و ضامن سعادت و آسایش و آرامش کلیه افراد بشر است عبارتست از شریعت، که ناچار از وجود شارع و واضع شریعت و قوانین الهی و خلیفه خدا در روی زمین است.

شاید نکته بنیادین در ضرورت قانون با توجه به مبانی حکمت متعالیه این باشد که اگر قانون نباشد، نظام اجتماعی و سیاسی از هم می‌پاشد و قوای حیوانی و شیطانی آدمی مجال رشد می‌یابد و انسان را از غایت و هدف اصلی خود که همانا سیر و سلوک الی الله برای نیل به جوار الله است باز می‌دارد.

۴-۱ کدام قانون مورد نظر حکمت متعالیه است؟

در حکمت عملی صدرا و حکمت مدنی آن، تدبیر بشری از طریق علم سیاست و فلسفه سیاسی، با تشریح و شریعت الهی و علم نوامیس، سامان اجتماع آدمیان را به عهده دارند. تدبیر بشر به امور مباح و امور در اختیار تعلق می‌گیرد و شریعت و قوانین و نوامیس الهی شامل و فراگیر در کلیه امور بشری است. دیانت باطن و حقیقت سیاست است. سیاست جسد است و دیانت روح آن. ملاصدرا، اگرچه به تدبیر بشر و علم سیاست کاملاً توجه کرده و جایگاه و نقش آن را منظور داشته است، لیکن قانون خدا و نوامیس الهی را اساس و پایه جامعه می‌داند. قانون متعالی، قانون خداست، و رمز بقا، پایداری و توسعه و تعالی مدینه بستگی به قانون متعالی دارد. بشر امروز نیازمند به قانون متعالی است، چرا که به تجربه و تحقیق دریافته است خود بتنهایی و در